# فصل هشتم

## مساله اول

الظاهر وجوب ستر الشعر الموصول بالشعر، سواء كان من الرجل أو المرأة. و حرمة النظر إليه، و أمّا القرامل من غير الشعر و كذا الحليّ‌ ففي وجوب سترهما و حرمة النظر إليهما مع مستوريّة البشرة إشكال و إن كان أحوط

### الف. بررسی حکم شعر موصل

#### قول دوم، وجوب ستر و حرمت نظر به آن

##### دلیل دوم؛ وجوب ستر زینت

شعری که به موی زن وصل شده است برای او زینت حساب می شود و بر زن واجب است که زینت موجود در بدن را از نامحرم بپوشاند و فقط زینتی که به صورت متعارف در وجه و کفین باشد استثنا شده است.

اشکال؛ آقای حکیم:

و ظاهره تحريم إبداء مطلق الزينة حتى الظاهرة و لكنه غير ظاهر. (حکیم)[[1]](#footnote-1)

این عبارت (عبارت کشف الغطا) شامل مطلق زینت می شود حتی زینت ظاهره در حالی که در آیه شریفه «ماظهر» استثنا شده است. اقتضای استثنای ما ظهر، عدم وجوب ستر شعر موصول است زیرا شعر موصول نیز از مصادیق ماظهر است.

پاسخ:

زینت ظاهره از وجوب ستر و حرمت نظر استثنا شده است اما این زینت ظاهره به حسب روایات تحدید شده است به وجه و کفین و آن زینتی که در وجه و کفین به صورت متعارف استفاده می شود. لذا شعر موصول داخل در حکم استثنا نمی شود و دلیل حرمت ابدا شامل آن می شود.

جلسه 45

هم چنین اگر زن از گلاه گیس استفاده کند باید این را هم بپوشاند زیرا این زینتی است که داخل در مستثنا نیست. بله در بعضی موارد ممکن است شخص اضطرار به کلاه گیس داشته باشد مثل بعضی از کشورهای غربی که حجاب ممنوع است و شخص مجبور است برای پوشاندن موی اصلی از کلاه گیس استفاده کند. در این موارد از باب ضرورت شخص باید از کلاه گیس استفاده کند.

نکته:

آنچه بر زن در ستر زینت لازم است این است که اگر وسیله زینت در بدن او باشد و بوسیله آن زینت خودش را تزیین کرده باشد سترش واجب است اما اگر وسیله زینت در موضع خودقرار نگیرد در این صورت پوشاندنش لازم نیست مثل اینکه النگو را در کف دست گرفته باشد و در محل خاص خودش نباشد. هم چنین اگر زن النگو را روی لباس بپوشد در این صورت تزین حساب نمی شود و پوشاندن آن لازم نیست.

بر همین اساس در شعر موصول گفته می شود ولو زینت است ولی تزین به آن این است که روی سر به همان کیفیت خاص خودش نصب شده باشد. هم چنین اگر زن بدنش را بپوشاند ولی با لباسی که زیباست و زینت حساب شود در این صورت ستر این لباس واجب است و نظر به آن حرام. تزین به پیراهن این است که روی بدن قرار بگیرد و حالت زینت به شخص بدهد ولو هیچ قسمتی از بدن مشخص نباشد.

اشکال دوم؛ آقای خویی

این اشکال در کتاب الصلاة بیان شده است:

**و فيه:** أنه مبني على أن يكون المراد بالزينة نفس ما يتزيّن به، أعني الجسم الخارجي الذي هو آلة التزيين كالقلادة و نحوها. لكنّه باطل جزماً، لعدم احتمال المنع عن إبداء مثل ذلك، كيف و هذه الآلات يتداول بيعها في الأسواق، و تنتقل من يد رجل إلى رجل، و المرأة بنفسها تباشر البيع أو الشراء من الرجال من دون نكير، فاراءة نفس آلة التزيين ليس بحرام قطعاً، بل المراد من الزينة الممنوع إبداؤها في الآية إراءة المرأة الحالة الحاصلة لها من تزينها بهذه الآلات، فإنّ‌ الزينة اسم مصدر من التزين (خوئی)[[2]](#footnote-2)

از آیه شریفه نمی توان لزوم ستر شعر موصول را استفاده کرد. استدلال به این آیه شریفه مبتنی بر این است که مراد از زینت در آیه شریفه نفس آلت زینت مانند النگو و گردنبند باشد. اما چنین چیزی قابل التزام نیست. زیرا این احتمال وجودندارد که شارع نظر به آلت زینت را حرام کرده باشد. زیرا این ابزار در دست مردم است و در بازار خرید و فروش می شود و کسی نیز نگفته است این مساله اشکال دارد.

در نتیجه نفس آلت زینت حرام نیست. بلکه ابداء حالت حاصل از تزین به این آلات حرام است چرا که زینت اسم مصدر و نتیجه تزین است. پس آنچه که حرام است به نمایش گذاشتن زیبایی حاصل از آلات زینت برای نامحرم است و چنین حالتی عادتا منفک از به نمایش گذاشتن موضع زینت نیست. لذا اگر شخص صرفا آلات زینت را به نمایش بگذارد ولی موضع الزینه به نمایش گذاشته نشود دراین صورت چنین ابدائی حرام نیست. از همین رو در مساله شعر موصول اگر زن موضع الزینه را بپوشاند و صرفا شعر موصول را به نمایش بگذارد کار حرامی مرتکب نشده است. هم چنین نگاه کردن به شعر موصول و قرامل و حلی نیز اگر منجر به نگاه کردن به موضع الزینه نشود حرام نیست.

پاسخ:

خود مرحوم آقای خویی در تعلیقه ی متاخر خودشان فرموده اند شعر موصول، حلی و قرامل وجوب ستر ندارند مگر اینکه زینت باشند و درواقع خودشان ملتزم به اشکال خود نشده اند. به نظر می رسد دو پاسخ می توان به اشکال آقای خویی داد:

پاسخ اول به اشکال آقای خویی:

نمی توان ادعا کرد که مراد از زینت در آیه شریفه آلة الزینه نیست. زیرا در روایات ذیل این آیه، به آلات زینت نیز اطلاق زینت شده است. روایاتی مانند صحیحه ابی بصیر:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى- وَ لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَ‏ إِلَّا ما ظَهَرَ مِنْها قَالَ‏ الْخَاتَمُ‏ وَ الْمَسَكَةُ وَ هِيَ الْقُلْبُ.

وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ‏ إِلَّا ما ظَهَرَ مِنْها[[3]](#footnote-3)- قَالَ الزِّينَةُ الظَّاهِرَةُ الْكُحْلُ وَ الْخَاتَمُ.

استبعادی که آقای خویی فرمودند نیز وارد نیست. ایشان فرمودند کسی ملتزم نمی شودکه بگوییم نظر به آلت زینت حرام است حال آنکه این آلات در بازار و بین مردم به صورت متداول خرید و فروش و رد و بدل می شود و کسی نیز قائل به حرمت نظر به آن نشده است.

این استبعاد صحیح نیست زیرا آنچه که حرمت نظر و وجوب ستر دارد، زینتِ زن است. مراد از زینتِ زن، اضافه اختصاص نیست بلکه منظور آن چیزی است که برای زن زینت است و زن به وسيله آن تزيين می کند . زینت در النگو و خاتم این است که در موضع مناسب خودش باشد و در این حالت بر آن اطلاق زینتِ زن می شود ، نه مطلق النگو و انگشتر در هر جا که باشد حتی در مغازه زرگری .

در نتیجه مراد از زینت در آیه شریفه اعم از آلات زینت و موضع زینت است.

پاسخ دوم به اشکال آقای خویی

هر چند مراد از زینت در آیه شریفه، آلت زینت نباشد بلکه حالت خاصی که برای زن از تزين به آلت زينت باشد ، اما باز می توان حرمت شعر موصول را از این آیه بدست آورد. زیرا تزین موی اصلی زن به شعر موصول متوقف بر این نیست که بقیه ی مو یا بدن او نیز آشکار باشد. همین مقدار که این قسمت از مو را به سر زن ببینند ولو بوسیله روسری موی اصلی پوشیده شده باشد، این نیز صدق تزیین می کند. لذا حتی اگر فقط حالتِ حاصل از استفاده آلاتِ زینت حرام باشد(نه خود آلات)، اما باز شامل این مورد نیز می شود حتی اگر شعر اصلی پوشیده باشد. مثل جایی که زن بواسطه لباسِ خاص، تزین می کند که در اینجا هر چند بدن زن پوشیده است اما این مصداق ابدا تزیین است و حرام.

در نتیجه وجه دوم در وجوب ستر و حرمت نظر در شعر موصول تمام است.

### قول سوم؛ تفصیل در مساله

آقای حکیم فرموده اند بین وجوب ستر و حرمت نظر باید تفصیل داد. البته ایشان این تفصیل را در کتاب الصلاة بیان نموده اند و در کتاب النکاح به دلیل آن اشکال کرده اند و عملا از این تفصیل عدول نموده اند.

1. حکیم محسن. *مستمسک العروة الوثقی*. ج 5، دار التفسير، 1374، ص 249. [↑](#footnote-ref-1)
2. خوئی سید ابوالقاسم. *موسوعة الإمام الخوئي*. ج 12، مؤسسة إحياء آثار الامام الخوئي، 1418، ص 86. [↑](#footnote-ref-2)
3. ( 5)- النور 24- 31. [↑](#footnote-ref-3)